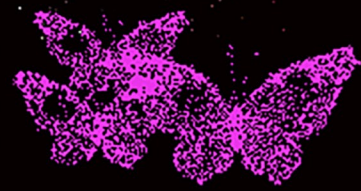


THE MONSTER DUCHESS AND CONTRACT PRINCESS

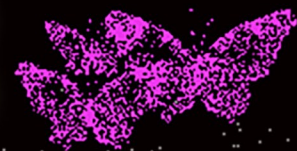
TR = lan neji



CL = ACHUN



TY = lan neji



La Duquesa
monstruosa y
la Princesa *del contrato*

AUTOR: RIALAN
ARTISTA: MINJACK

هاهاهاها!

حومه ی پایتخت،
محل برگزاری دورهمی
اشراف.

تازگیا مارکیز اسپرادو
داره کارای عجیب
غریبی میکنه.



وقتی خدمتکارم رفت
خونشون یه نامرو پس بگیره،
دیدش داره باغ و خراب
میکنه تا یه آلاچیق بسازه.

تازه گفتش اون آلاچیقم
خیلی عجیب غریب
بوده.

خداییش الان وقت
آلاچیق ساختن نیست!

باور کن تنها چیز خوب
راجب مارکیز اسپرادو اینه
که آدم بی خیالیه!

HAHAHA!

به هر حال، ما که نمیدونیم
این یکی چقدر دووم میاره!



حالا، دوک والامقام ما تو
همچین جایی چیکار میکنه؟

VOLTEARSE

دوستم ارل ایتان
منو دعوت کرده.

اه ارل ایتان! پس، برای بند و
بساط اپرا میخوای ببینیش؟

AGITARSE

AGITARSE

منم خیلی اپرا
دوس دارم!

منم خیلی اپرا دوس دارم!
تورو خدا منم یه
وقتایی... دعوت کن...اره..

آفخ!!

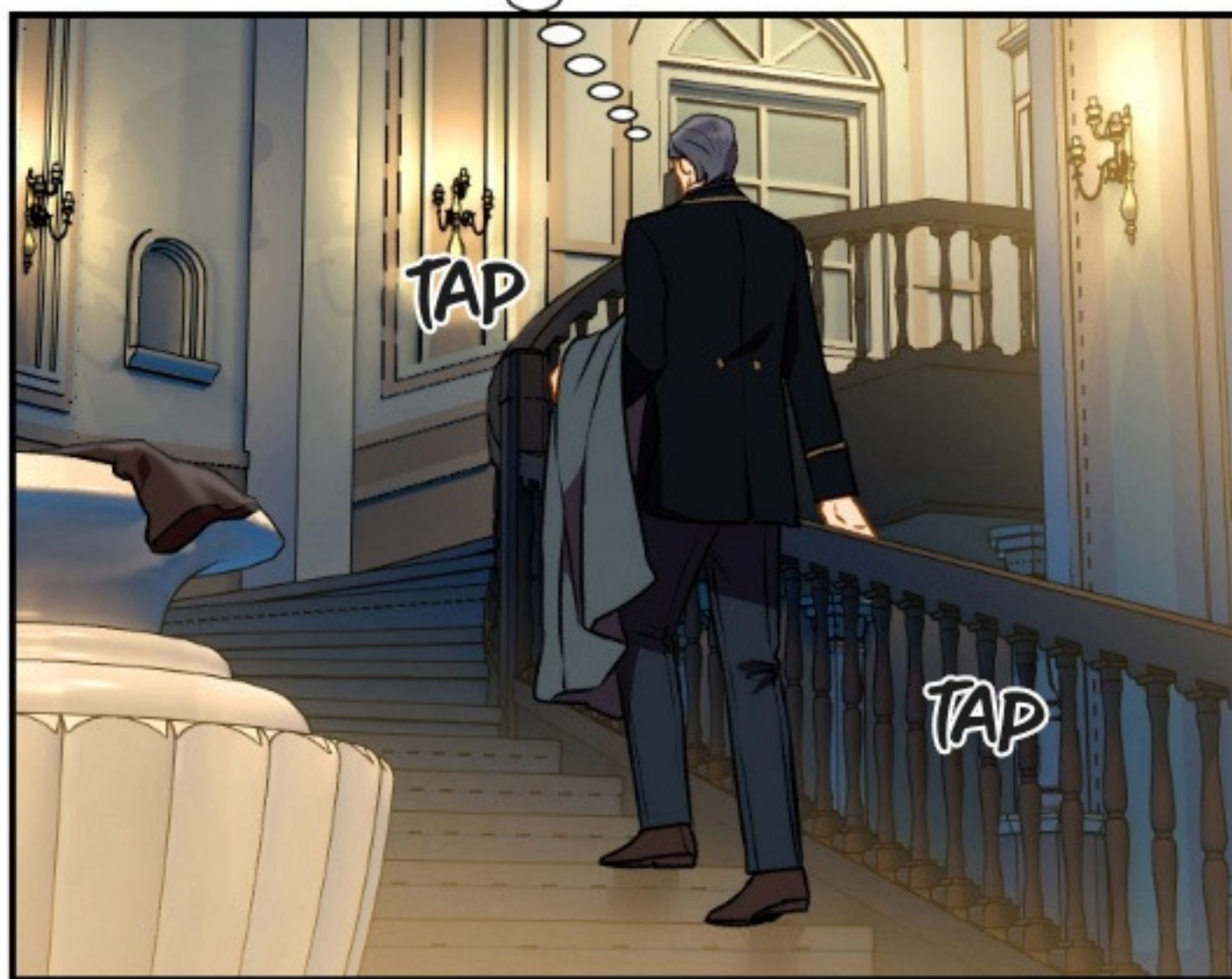
REVERENCIA

CRASH

...



واقعاً نمیفهمم چرا برای
اینکه همو ببینیم همچین
جای ارزون قیمتتو انتخاب
کرده.



اون آدم...

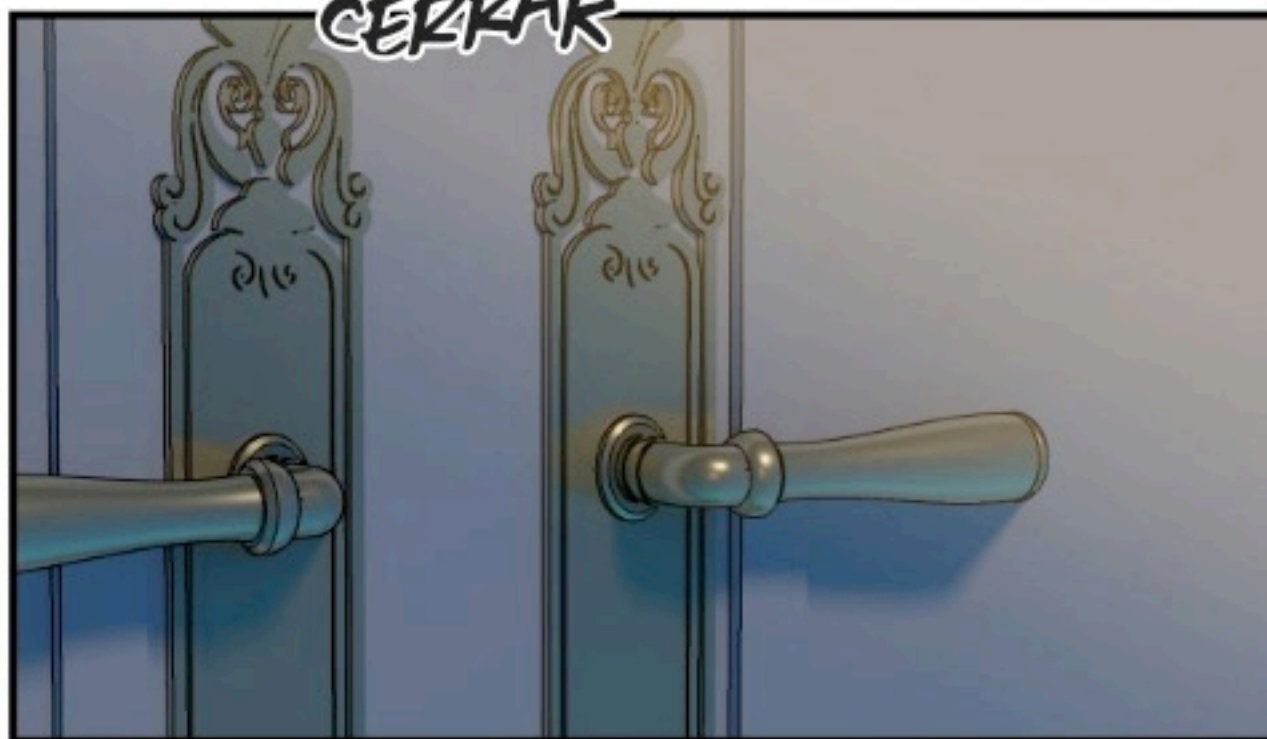


په چي فکر ميکنه؟



خوش اومدين. ايشون
داخل منتظر تونن.

CEZAR



مدت زیادی گذشته ،
دوک والامقام.



...بازم، بهتون گفته بودم
که دیگه نمیخوام
بینمتون.

صحبت‌مون قراره طول
بکشه. چرا نمیشینید؟



با تمام احترامی
که براتون قائلم
پیشنهادتونو رد میکنم.

پشت سرهم داشتن برام نامه
میفرستادین، برای همینم اومدم اینجا
بگم اینکارتونو تمومش کنید. نمیخوام
باهاتون صحبتی بکنم.

چون حالا اومدم اینجا ، لطف
کنید دیگه این نامه های دردسر
سازو برام نفرستین.

نمیخوام برای خانواده ی
سلطنتی دردسر بتراشم.

دردسر؟ کلمه ی عجیبی و
انتخاب کردین دوک
والامقام آلترا.



درگیری های سر قدرت
همیشه اتفاق میافته.

وقتشه که امپراطور سریعتر این تصمیمو
بگیره که کدوم یکی از پرنس ها قراره
جانشینش بشن، منم ارزوم اینه که
پرنسی که دارم ازش حمایت میکنم
امپراطور بعدی بشه.



چیز دیگه ای و مخفی
نمیکنید؟

یه چیز خیلی خطرناک....

...صحبتام تموم شد.



فک میکنم بیشتر از اون
چیزی که باید میدونستم
فهمیدم.

ازینکه همیشه یه نفر مقامش
ازتون بالاتره خسته نشدین ،
دوک؟



...دارين پيشنهاده خيلي
خطرناكي مدين.

خودتون ميدونيد؟

معلومه.

پس... شما چیکار میکنید؟

به حرفم گوش
میدید؟

یا فرار میکنین و برای بقیه ی
عمرتون جلوی امپراطور
میخزید؟ این همون زندگی ایه
که شما میخواید؟

دوک والامقام آلتدای قبلی
برادر دو قولوی امپراطور بود.



ولی بخاطر یه اشتباه خیلی احمقانه
نتونست به تخت پادشاهی بشینه.
اگرچه امپراطور اونقدری سخاوتمند
بودش که بهش لقب دوک والامقام و
بده.

وفاداری خدشه ناپذیر
دوک آلترای فعلی به خاندان
سلطنتی خیلی دردسر سازه.

اگرچه، اون همیشه داشته
پدرشو که بخاطر اشتباه
احمقانش زجر میکشیده
تماشا میکرده.



حرص و طمع که تو خون
خاندان سلطنتی وجود داره
باعث شده که هیچ وقت از
موقعیت الانش راضی نباشه.



اگه به من کمک کنید
قدرت و نفوذی در حد
امپراطور بهتون میدم.

به عبارت دیگه، قلمرویی
بهتون میدم که باهاش
بالاترین مقامو داشته باشید.



فکر کردین میتونین با
همچین پیشنهادی خرم
کنید؟

ازون چیزی ک فکر
میکردم احمق ترید.

صداش داره میلهزه.

چطوره وقت پیشتری به این
دوک والا مقام پدم تا فکرشو
سروسامون بده؟



پس کار دیگه ای نمیتونم
بکنم... انگار اشتباه می کردم.

از یه روش دیگه استفاده
میکنم.



دوشز والامقام خوبن؟

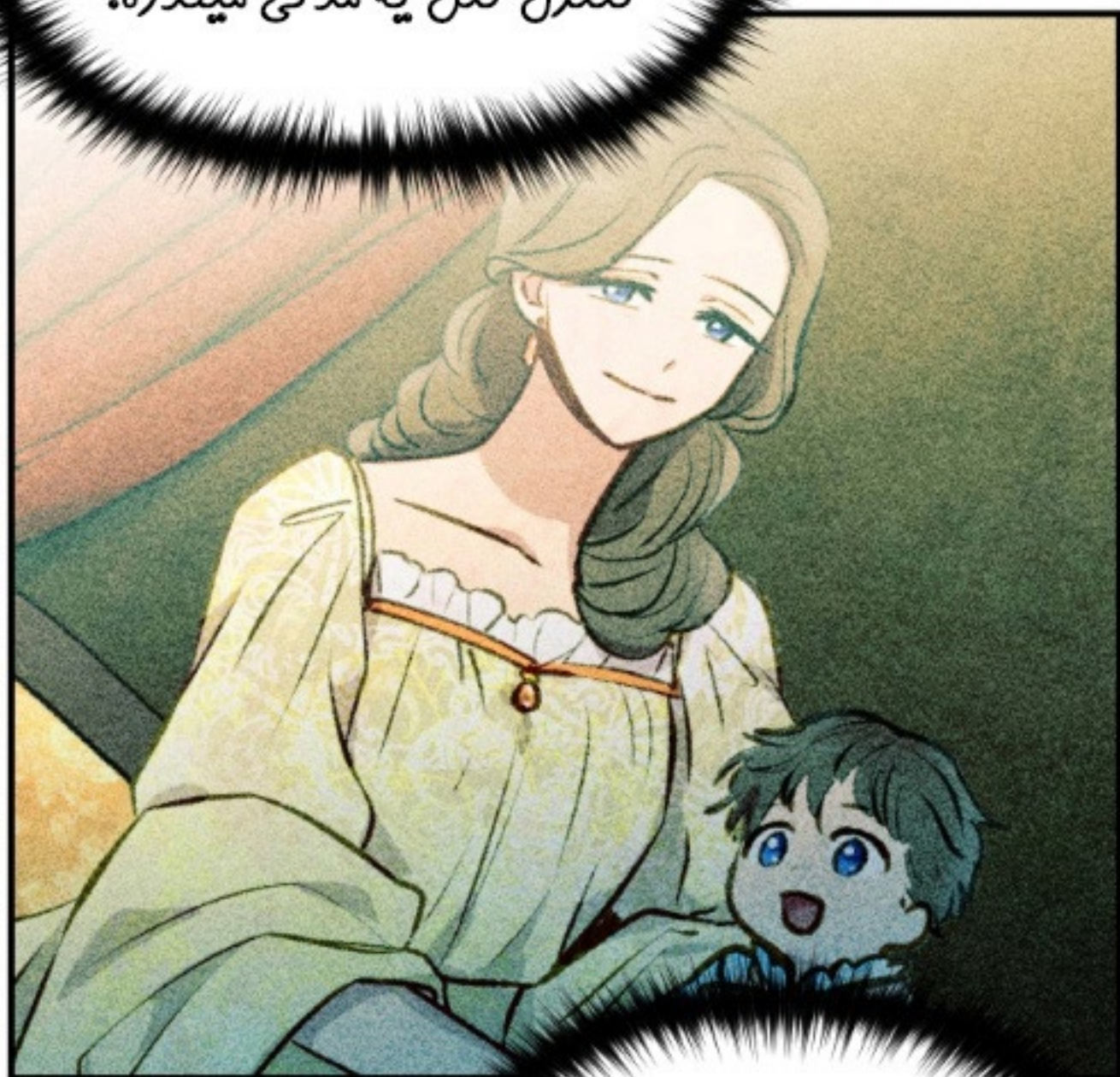
ESTREMECERSE





مگہ میسہ خوب
باشہ...

از وقتی که اسولا رفته ملک
فامیلش ارل کایرین تا کمک
کنه بیماری مسری ای که
اونجا داره پخش میشه رو
کنترل کنن یه مدتی میگذره.



تازگیا، نامه هایی که
میفرسته داره کمتر و کمتر
میشه...

من چیزای زیادی و رها کردم، اگرچه
هنوزم چیزایی که بهشون نیاز دارم و
پیش خودم نگه داشتم..

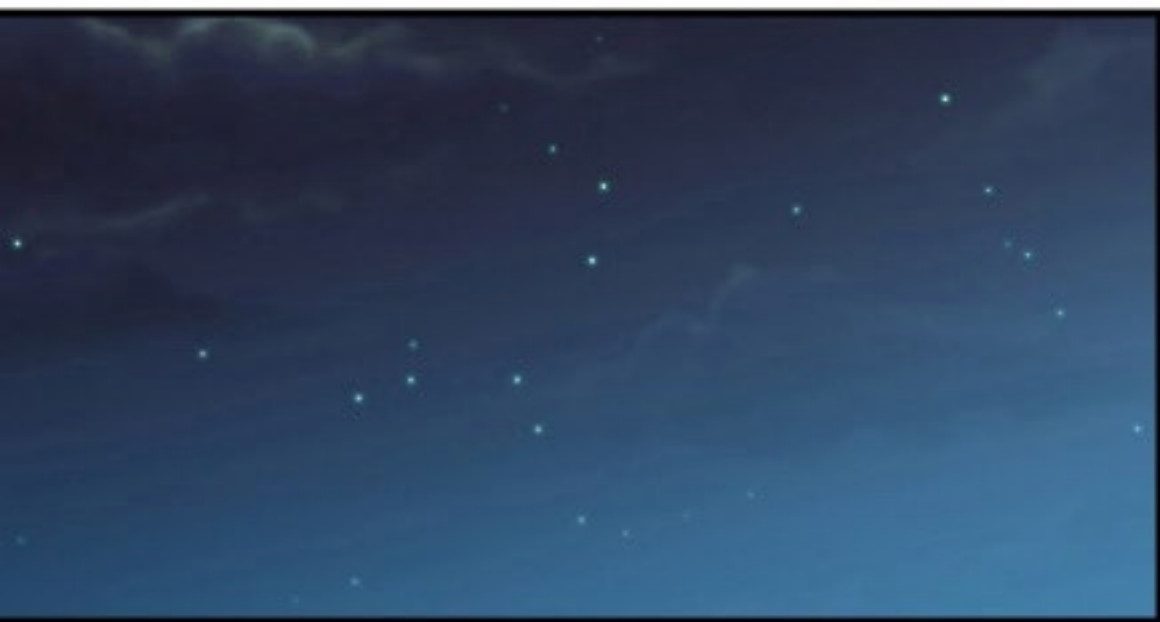


یکی ازون چیزا به بیماری
مسری مربوطه.





اگه کمکم کنید ، منم جبران میکنم
دوک والامقام آلترا.



ESCRIBIR



ESCRIBIR

پس پنجمین امپراطور
روکار دیوس ۱۵ تا خاطره
نوشته که اولین جلدش ...



امخه واسه چپی این کتاب
تاریخی هر ده تا خاطره رو
ثبت کرده؟

VOLTEAR

اگه من پنجمین امپراطور
رو کار دیوس بودم عمرا دلم
میخواست ملت خاطراتمو
بخونن و حفظ کنن.



نمیدونم چه مدل سوالی
قراره تو امتحان نامزدای
اراپلا پیاد.

از ونچایی که این یه
قسمت از قراردادمو نه
نمیتونم دوشنر و ناامید
کنم.



شاید اگه کارمو خوب انجام
بدم پتونم یه سری
تغییرات تو قراردادمون
بدم.



کتاب اولش
"دونار تور" هستش...

بیشتر شامل فنون و روش
های جنگ بوده و خیلی
خوب-



پرازیت aoihin: ننه کرون گزفته؟
به خدا این دختره داره میمیره!
یکی ریلهم همین علامتو داشت مرد



اه...

خوبه رو کتاب ندیخت..



تو عمارت اسپرادو
معمولا خون دماغ
میشدم اینجا اولین
بار.

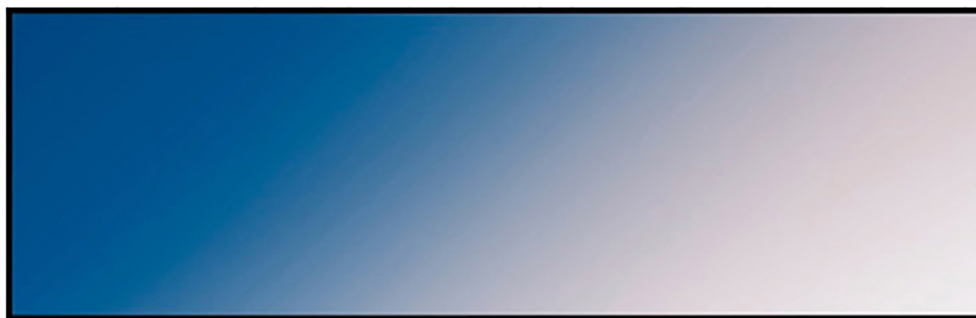


چون زیادی خون دماغ
میشم حتما پینی ضعیفی
دارم.

کتاب دوم "گوان
لو" بود..

ESCRIBIR

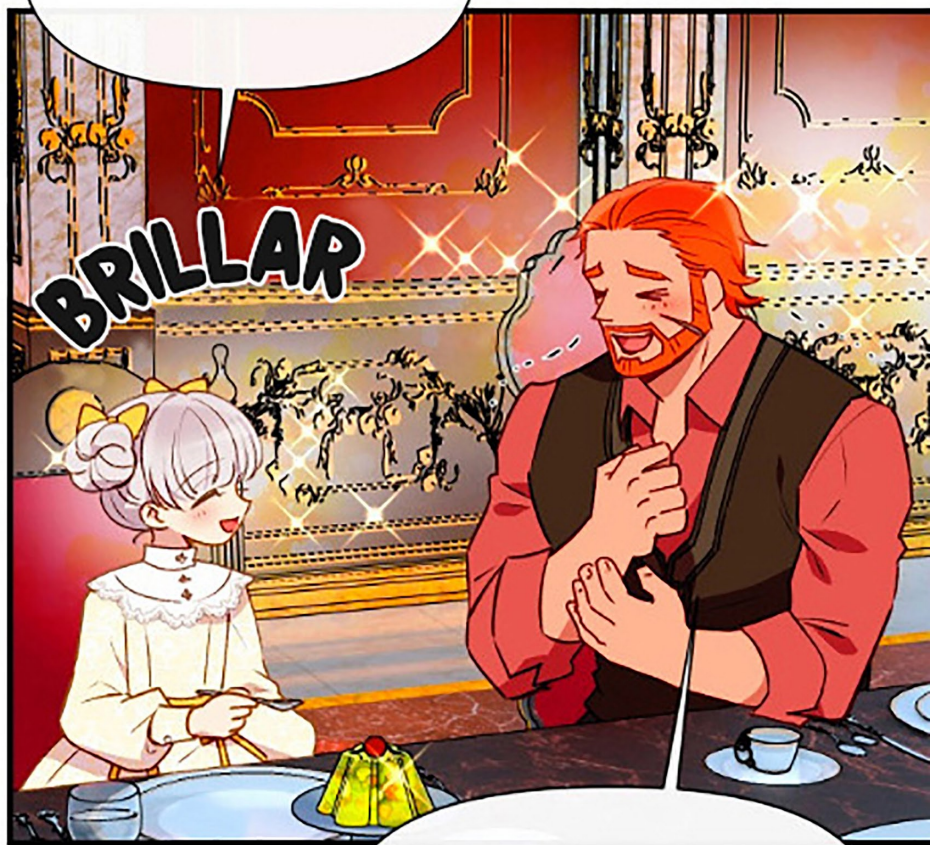
ESCRIBIR







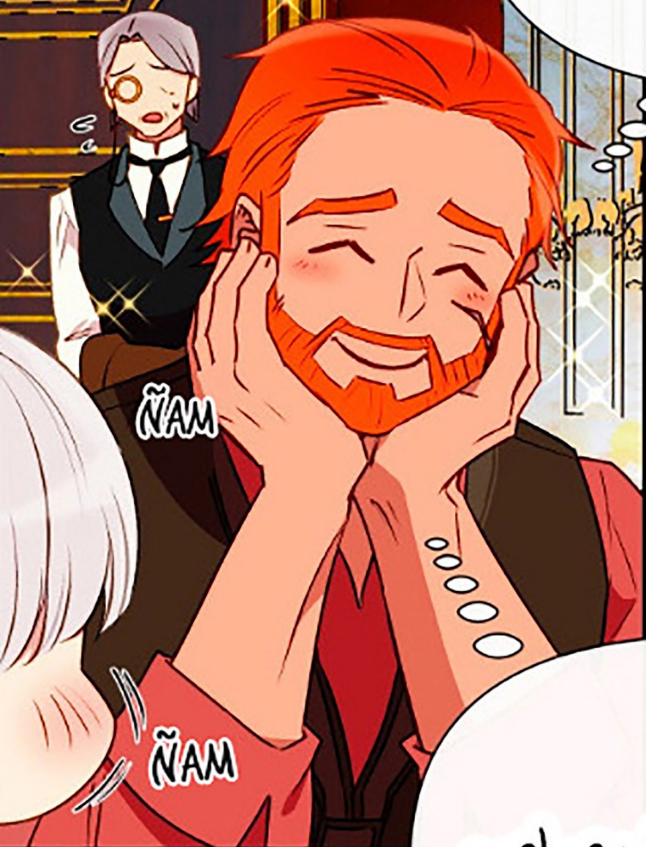
خیلی خوشمزه‌س!



وایی...

از بس گفتم زبونم مو
دراورد ، اصلا خوب نیست
قبل غذای اصلی شیرینی
بهش بدین.

خوشحالم واتارو دیروز
مجبور کردم این ژله ی
میوه ایو درست کنه.



خیلیییی اگور پگوری ای ،
دخمل گلم.

باید کل طبقه ی چهارمو
برای اتاق لژی حسابی
ترو تمیز کنم.



اگه خیلی بزرگ باشه
میتونم برداش زمین بازیم
درست کنم.

چیا باید تو اتاقش باشه؟
وسایلی که دخترا دوس
دارن....مثل...گل،
شیرینی...عروسک..

شمشیر و اسلحه!



چشمای آسلا هر وقت
اسلحه جدید میپینه برق
میزنه.

باید زودتر برم
آهنگری...

هومم، باید تیرمم پیرم یه
دستی به سروروش بکشه.

اره، اونوقت با یه پدرش
تروتمیز کار اون مارکیز
اسپرادو رو تموم میکنم.



ها؟ هی لزلی!

...o!

GOTEAR



وای امانوم!

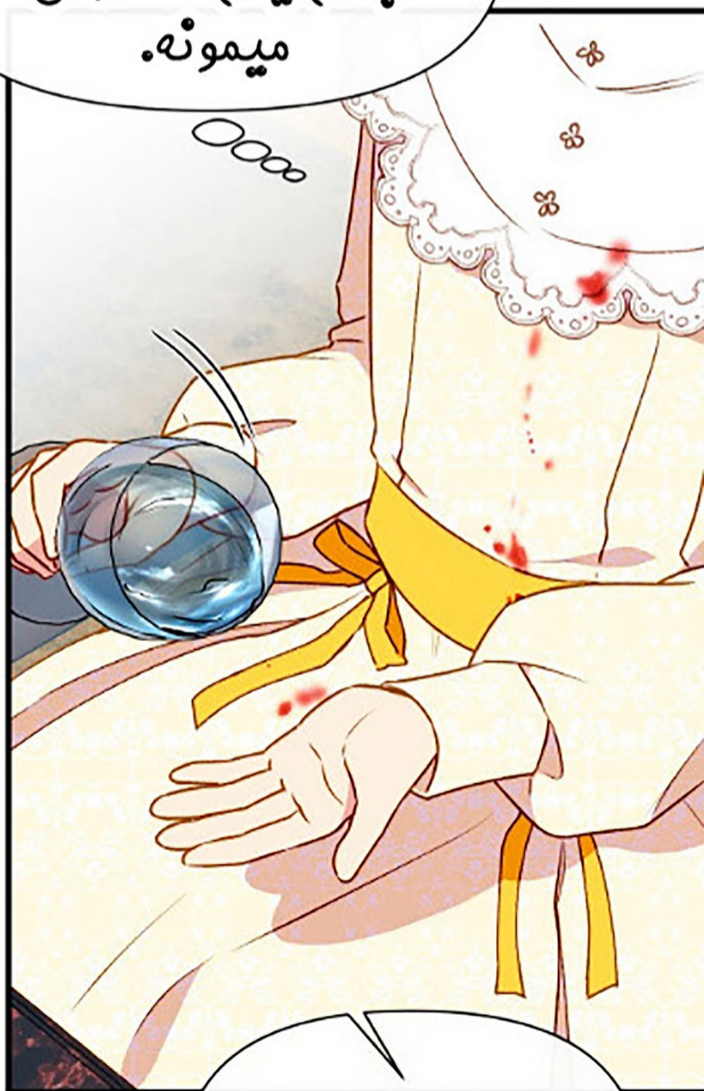
PRISA



چیکار کنم.. اولپن پاره
این لباسرو پوشیدم..



چون رنگش روشنه
حتی اگه تمیزشم کنم
بازم یکم لکه روش
میمونه.



لزلی.

نباید همچین کاری کنی.



اگه لباسو سریع تمیز
نکنم لک میشه.

سلامتیت الان مهمه نه
لباست..

جنا، جیلو رو بیار اینجا.



چشم.



جیلو رو
آورد مہم!!!

MAREADO

آخ!

دکتر عمارت
سالواتور ، جیلو.

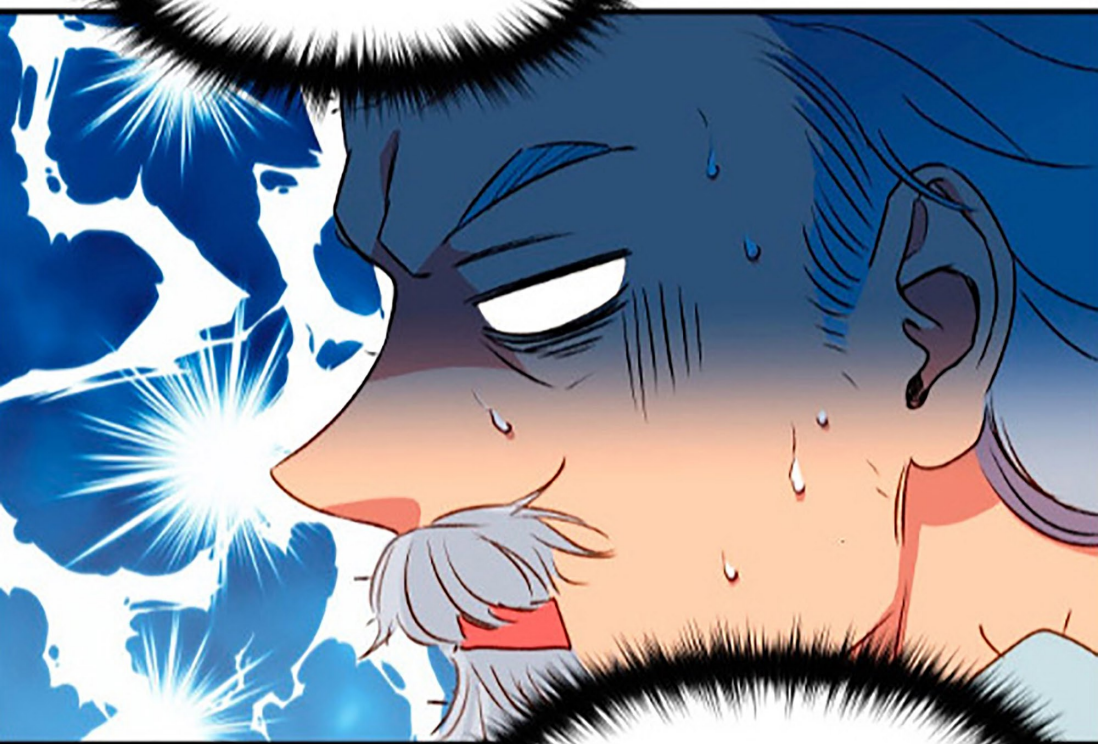
BA



JAR

AUCH

بازنشستگی...



باید زودتر
بازنشسته بشم..

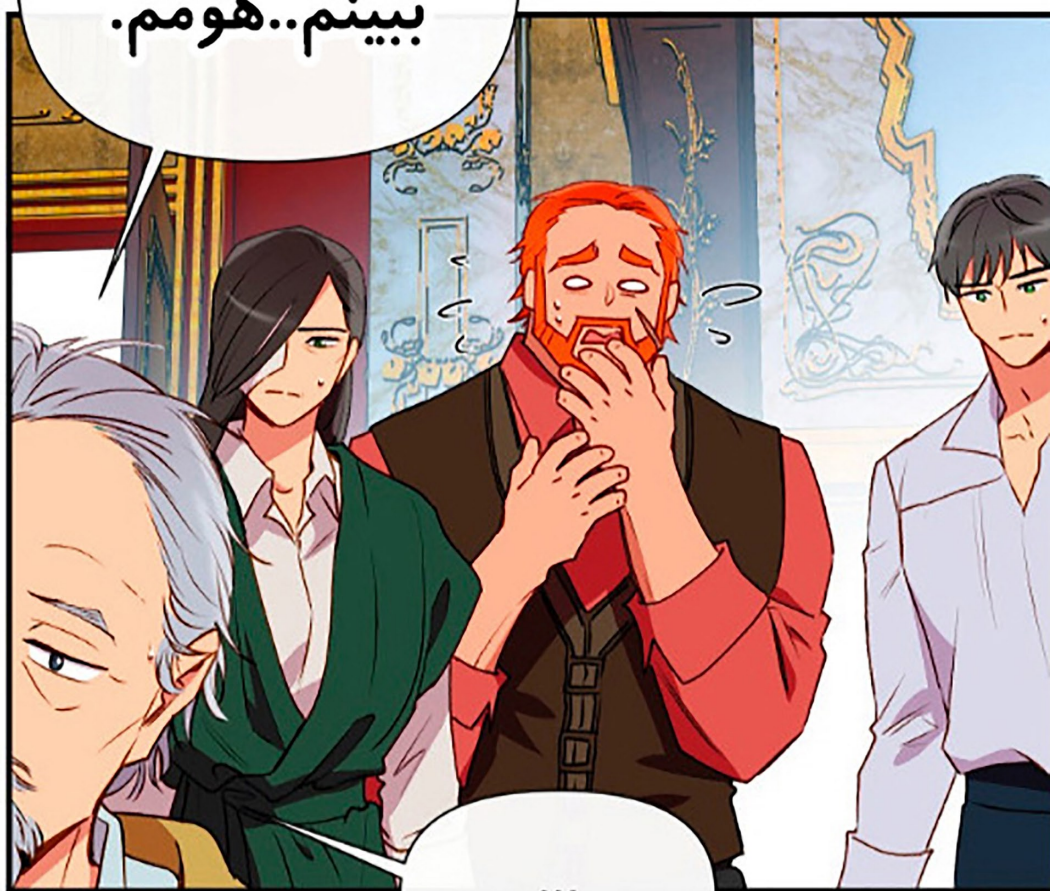
پس، خانوم خون
دماغ شده؟



بله.

المصباح؟

بزار
بینم.. هومم.



...

اه، میدونم چیه.

از خستگیه.



Continuará..

ROK
MEDIA



[Instagram.com/irisekai/](https://www.instagram.com/irisekai/)



t.me/IriSekai/



IriSekai191008@gmail.com